**«در محضر مرجعیت»**

**سلسله جلسات علمی حضرت آیت الله العظمی شیرازی دام ظله در ماه مبارک رمضان ۱۴۴6 (جلسه بیست و یکم)**

بیست و یکمین نشست علمی مرجع عالیقدر آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دام ظله در شب های ماه مبارک رمضان ۱۴۴6 با حضور جمعی از شخصیت های علمی، نمایندگان مراجع عظام تقلید، فعالان دینی و فرهنگی و طلاب علوم دینی، در شامگاه روز چهارشنبه بیست و پنجم رمضان المبارک ۱۴۴6 در بیت مرجعیت شهر مقدس قم برگزار شد.

مشروح مباحث مطرح شده در این نشست به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم، وله الحمد

با توجه به این که اصل نماز بر شخص حائض حرام است، به کدام دلیل بر شخص حائض واجب است هنگام شنیدن آیه‌ای که سجده واجب دارد، به سجده برود؟

پاسخ: در مورد نماز و روزۀ حائض، از فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام روایت شده: «إِذَا حَاضَتِ الْمَرْأَةُ فَلَا تَصُومُ وَ لَا تُصَلِّي» (وسائل الشيعة، ج2، ص343/ الباب 39، ح2)، و نیز صحيحة زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِذَا كَانَتِ الْمَرْأَةُ طَامِثاً فَلَا تَحِلُّ لَهَا الصَّلَاةُ الْحَدِيثَ (همان، ح1). بر این اساس، نماز حائض مورد نهی واقع شده است و نهی در عبادات موجب بطلان می‌شود؛ بنابراین، نماز شخص حائض باطل است. اما دلیل وجوب سجدۀ تلاوت بر حائض هنگام شنیدن آیات عزائم، عبارت است از عمومات و اطلاقاتی که بیان می‌کند هر شخصی که آیه سجده‌دار را شنید باید به سجده برود (ر.ک: وسائل الشيعة، ج6، ص239/ الباب 42) و این اطلاق به هیچ دلیلی مقید نشده است، به غیر حائض، بر خلاف وجوب نماز که مقید شده است بر شخص غیر حائض.

مرحوم صاحب عروه در این مسأله می‌فرمایند: «يجوز للحائض سجدة الشكر و يجب عليها سجدة التلاوة إذا استمعت بل أو سمعت آيتها و يجوز لها اجتياز غير المسجدين لكن يكره و كذا يجوز لها اجتياز المشاهد المشرفة» (العروة الوثقی، ج1، ص308 / فصل في أحکام الحائض، م2).

پس در نماز، طهارت شرط است، ولی در سجدۀ تلاوت، طهارت شرط نیست. بلکه به شرط نبودن طهارت در سجدۀ تلاوت در صحیحۀ حلبی نیز اشاره شده است که قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: «يَقْرَأُ الرَّجُلُ السَّجْدَةَ وَ هُوَ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ؟ قَالَ: يَسْجُدُ إِذَا كَانَتْ مِنَ الْعَزَائِمِ» (وسائل الشيعة، ج6، ص241/ الباب 42، ح6).

پرسش: حکم شخصی که بدون عذر افطار کرده است و سپس به مسافرت رفته است، چیست؟

پاسخ: بر چنین شخصی کفاره افطار عمد واجب می‌شود.

مرحوم صاحب عروه در این مسأله می‌فرمایند: «إذا أفطر متعمداً ثم سافر بعد الزوال لم تسقط عنه الكفارة بلا إشكال و كذا إذا سافر قبل الزوال للفرار عنها، بل و كذا لو بدا له السفر لا بقصد الفرار على الأقوى، و كذا لو سافر فأفطر قبل الوصول إلى حد الترخص. و أما لو أفطر متعمداً ثم عرض له عارض قهری من حيض أو نفاس أو مرض أو جنون أو نحو ذلك من الأعذار، ففي السقوط و عدمه وجهان، بل قولان، أحوطهما الثاني و أقواهما الأول» (العروة الوثقی، ج3، ص47، م11).

اگر گفته شود: بنابر این نظر، بر شخصی که عمداً افطار کرده است و قبل از غروب مانع شرعی برایش ایجاد شد نیز کفاره عمد لازم است.

در پاسخ گفته می شود: اولاً این مسأله اختلافی است و تعدادی از فقها بیان کرده‌اند که بر چنین شخصی کفاره لازم است. ثانیاً، دلیل اینکه بر این شخص کفاره روزه عمد واجب نیست، این است که وقتی قبل از غروب برایش عذر شرعی حادث می‌شود، کشف می‌شود که روزه از اول بر این شخص واجب نبوده است.

ممکن است گفته شود: چنین شخصی که علم دارد تا قبل از غروب عذر شرعی که مانع از روزه گرفتن است پس از ابتدا می تواند روزه نگیرد، و مفطرات را به جا آورد.

در پاسخ گفته می شود: اگر چنین شخصی از اول روز یقین داشت که تا قبل از غروب یک عذر شرعی برایش حادث می‌شود که مانع از گرفتن روزه است، ابتدا امساک می کند تا آن عذر فعلیت پیدا کند، و سپس کشف از روزه نبودن او از ابتدای روز می شود.

آیا عبادات صبی شرعی است؟

پاسخ: همانگونه که در جلسات گذشته بیان شد، در این مسأله بین فقها اختلاف شدیدی وجود دارد و بر این مسأله ثمرات فقهی متعددی بار می‌شود، نظیر اینکه اگر تعدادی از بچه‌ها در صف اول نماز جماعت ایستادند، حکم حائل را دارند اگر گفته شود عبادات صبی تمرینی می‌باشد نه شرعی. ولی آن قولی که به نظر می‌رسد عبارت است از اینکه اگر صبی ممیز شده باشد، عباداتش شرعی می‌باشد.

ممکن است گفته شود: اگر قائل شویم که عبادات صبی شرعی است، باید بپذیریم که می‌تواند نائب افراد در عبادات قرار بگیرد.

در پاسخ گفته می شود: دلیلی که نیابت را تشریع می‌کند از مورد صبی منصرف است و به قول فقها، ضیق فم الرکیه است و از ابتدا دلیل این مورد را شامل نمی‌شود.

حکم نماز و روزه شخصی که به کما رفته است چیست؟

پاسخ: شخصی که به کما رفته است، با دو شرط، قضاء نماز و روزه برایش واجب نیست و آن دو شرط عبارتند از: اول، تمام نماز و روزه در حالت کما باشد و دوم، به صورت اختیاری در کما نرفته باشد. مرحوم صاحب عروه در این مسأله می‌فرمایند: «يجب قضاء اليومية الفائتة عمداً أو سهواً أو جهلاً أو لأجل النوم المستوعب للوقت أو للمرض و نحوه و كذا إذا أتى بها باطلاً لفقد شرط أو جزء يوجب تركه البطلان بأن كان على وجه العمد أو كان من الأركان و لا يجب على الصبي إذا لم يبلغ في أثناء الوقت و لا على المجنون في تمامه مطبقا كان أو أدواريا و لا على المغمى عليه في تمامه و لا على الكافر الأصلي إذا أسلم بعد خروج الوقت بالنسبة إلى ما فات منه حال كفره و لا على الحائض و النفساء مع استيعاب الوقت» (العروة الوثقی، ج2، ص248 / فصل در صلاة القضاء).

همچنین می فرماید: «و كذا لا يجب على المغمى عليه سواء نوى الصوم قبل الإغماء أم لا» (العروة الوثقی، ج3، ص70 / فصل در احکام القضاء).

معنای «امر جدید» آوردن امام زمان علیه السلام چیست؟

پاسخ: در روایات متعدد اشاره شده که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با امر جدید ظهور می‌کنند. در برخی از این روایات آمده است: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي بَدْوِ الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ» (بحار الأنوار، ج52، ص338، ح82)، و در برخی دیگر روایات آمده: «يَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ» (همان، ص354، ح114).

در برخی از زیارات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است: «وَ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَ أَصْلِحْ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ وَ غُيِّرَ مِنْ سُنَّتِكَ حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَ عَلَى يَدِهِ غَضًّا جَدِيداً صَحِيحاً لَا عِوَجَ فِيهِ وَ لَا بِدْعَةَ مَعَهُ حَتَّى تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ» (همان، ج53، ص189). با توجه به این فراز از زیارت، آن حضرت علیه السلام آنچه از احکام الهی و سنت‌های اسلامی زیر پا گذاشته شده و حقوقی که ضایع شده‌اند را احیاء می‌کند و حق را اجرا می‌کند. همچنین تفسیر و تأویل صحیح قرآن کریم که کنار زده شده را آن حضرت دوباره بیان می‌کنند.

حاکم شرعی چه کسی می‌باشد و آیا می‌توان بر خلاف حکم حاکم عمل کرد؟

پاسخ: مراد از حاکم شرع، فقیه جامع الشرایط می‌باشد و تا زمانی که علم به مخالفت حکم ایشان پیدا نشود، نمی‌توان با حکم حاکم شرع مخالفت کرد.

مرحوم صاحب عروه در این مسأله می‌فرمایند: «حكم الحاكم الجامع للشرائط لا يجوز نقضه و لو لمجتهد آخر إلا إذا تبين خطؤه» (العروة الوثقی، ج1، ص28، م57).

مرا از اخذ به شفعه چیست؟

پاسخ: اگر دو نفر در جنسی شریک باشند و یکی از آن‌ها سهم خود را به شخص سومی بفروشد، شریک می‌تواند آن را از دست او گرفته و قیمتش را بدهد. این را أخذ به شفعه می‌گویند.

آیا شفعه در اموال منقول نیز جاری است؟

پاسخ: اگر جنس قابل قسمت باشد، مانند باغ و زمین، اما در جنسی که قابل قسمت نیست، اظهر عدم شفعه است.

پرسش: آیا در قرآن کریم نسخ وجود دارد؟

پاسخ: هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد که نسخ در قرآن کریم جریان ندارد.

ممکن است گفته شود: با توجه به آیه شریفه قرآن کریم: «ما نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنْسِها نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلِهَا أَ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلى‏ كُلِّ شَيْ‏ءٍ قَدير» (البقرة / 106)، در این آیه تصریح شده است که نسخ وجود دارد.

ممکن است گفته شود: مراد از «آیه» که در این آیه بیان شده است، تکوینیات می‌باشد نه امور تشریعی، و مراد این است که مثلاً بعد از حضرت موسی علیه السلام، خدای متعال یک پیامبر بهتری از ایشان را مبعوث کردند که حضرت عیسی علیه السلام بودند که دینی را با احکام راحت‌تری برای مردم ارائه کردند.

و نیز ممکن است گفته شود: این آیه شریفه قرآن کریم: «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِذا ناجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْواكُمْ صَدَقَةً ذلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ» (مجادله / 12) قطعاً نسخ تشریعی رخ داده است.

در پاسخ گفته می شود: مراد از نسخ اصطلاحی این است که یک حکمی صادر شود برای همیشه، آن شخص که حکم را وضع کرده است ببیند این حکم صلاحیت بقا را ندارد به همین جهت نظرش عوض شود پس حکم را عوض کند، در حالی که این امر دربارۀ خدای متعال محال است.

اما نسخ در آیۀ نجوا و مانند آن، پس خدای متعال احکامی را برای مدت معنی وضع کرده ولی انتهاء مدت آن را بیان ننموده، که به این امر نسخ اصطلاحی اطلاق نمی‌شود.

شیری که متنجس شده است و تبدیل به پنیر شده است، قابلیت طهارت را دارد؟

پاسخ: خیر، شیری که متنجس شده است، دیگر به هیچ وجه قابلیت تطهیر را ندارد مگر اینکه به کُرّ وصل شود و از حالت مضاف بودن خارج شود که در این صورت دیگر از حالت شیر بودن خارج می‌شود و به آب مطلق تبدیل می‌شود.